

سلام افلا



دانشگاه شهید چمران اهواز

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد

بررسی جنبه‌های تمثیلی و نمادین در بخش‌های

اساطیری و پهلوانی شاهنامه فردوسی

استاد راهنما: جناب آقای دکتر محمدرضا صالحی مازندرانی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر مختار ابراهیمی

پژوهش و نگارش: امرالله آخوند نژاد

اهواز

خرداد ۱۳۸۹

## چکیده‌ی پایان نامه

نام خانوادگی دانشجو: آخوندنژاد	نام: امرالله
عنوان پایان نامه: بررسی جنبه‌های تمثیلی و نمادین در بخش‌های اساطیری و پهلوانی شاهنامه‌ی فردوسی	
استاد راهنما: دکتر محمدرضا صالحی مازندرانی	
درجه تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: زبان و ادبیات فارسی
محل تحصیل (دانشگاه): دانشگاه شهید چمران اهواز	
دانشکده: ادبیات و علوم انسانی	
تاریخ فارغ التحصیلی:	تعداد صفحه: ۲۹۲
کلید واژه‌ها: شاهنامه، نماد، سمبل، دیو (اهریمن)، اژدها، شیر ضحاک، سیمرغ.	
<p><b>چکیده:</b></p> <p>همه‌ی آفرینش‌های ادبی و هنری جهان در مسیر خود با حقایق پنهان و آشکار نمادها در آمیخته‌اند و پدید آورندگان این آثار، به اقتضای زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، از زبان سمبلیک استفاده می‌نمایند، تا از این طریق بتوانند تأثیر نوشته‌ی خویش را بر ذهن و اندیشه‌ی بشری افزایش دهند و بر جاودانگی و تأویل‌پذیری آن بیفزایند. شاهنامه‌ی فردوسی صحنه‌ی هم‌نبردی و ستیز همیشگی ناسازگارهاست که در آن نمادهای نیک و بد به مقابله با یکدیگر برخاسته‌اند. پژوهنده‌ی این رساله بر آن است تا با بررسی عناصر نمادین این اثر گران سنگ، راه را برای درک عمیق‌تر این سرمایه‌ی بزرگ ادبی و فرهنگی هموار سازد. در این پژوهش، به همانندی‌های نمادین جهانی اشاره شده است و به بازتاب برخی از این نمادها در فرهنگ معاصر ایران نیز پرداخته شد. در این پایان نامه شیوه‌ی الفبایی و توصیفی-تحلیلی نمادها موردنظر قرار گرفته و پیش از متن اصلی، علاوه بر چکیده و مقدمه، بخش کلیات شامل بحثی مستوفی در خصوص نماد و موضوعات آن پرداخته شده است.</p>	

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
یک	مقدمه
	<b>فصل اول</b>
۱	کلیات
۱	نماد و نمادپردازی
۳	تعریف نماد
۶	انواع نماد
۷	زمینه‌های پیدایش سمبل و نماد
۸	پیشینه‌ی نماد و سمبل در ادبیات فارسی
۹	نماد گرایی در ادبیات فارسی
۱۱	بنیاد سمبولیست در غرب
۱۲	نماد و استعاره
۱۳	اسطوره و نماد
۱۴	نماد و تمثیل
۱۴	تمثیل و اسطوره
۱۵	گستره‌ی نمادها
۱۹	پیشینه‌ی عرفانی، غنایی و حماسی نماد
۲۱	فردوسی و هنر نمادپردازی
۲۳	تازه‌هایی از بازتاب معانی نمادین شاهنامه در فرهنگ عامه
	<b>فصل دوم</b>
۲۸	توصیف و تحلیل الفبایی نمادهای شاهنامه‌ی فردوسی
	<b>حرف «آ»</b>
۲۸	آب

۳۱	آب حیات
۳۳	آبنوس
۳۴	آتش
۳۹	آتشکده
۴۲	آرش کمانگیر
۴۳	آسمان
۴۷	آفتاب
۵۰	آهرمن
۵۵	آهن
۵۷	آهنگر
۵۹	آهو

### حرف «ا»

۶۰	اختر/ستاره
۶۳	ارژنگ دیو
۶۴	ارمایل و گرمایل
۶۴	ارم/باغ ارم
۶۵	اژدها
۶۹	اسب
۷۳	اسپروز/کوه اسپروز
۷۴	اسفندیار
۷۷	افراسیاب
۷۹	اکوان دیو
۸۲	البرز کوه
۸۴	الماس

۸۵	.....	انار
۸۶	.....	انگشتری
۸۸	.....	اولاد دیو
۸۹	.....	اهورامزدا
۹۱	.....	ایران

### حرف «ب»

۹۲	.....	باد
۹۴	.....	باز (پرنده)
۹۵	.....	بانگ خروس
۱۰۰	.....	ببر
۱۰۱	.....	ببر بیان
۱۰۱	.....	بَرَسَم
۱۰۳	.....	بلبل
۱۰۴	.....	بنفش
۱۰۵	.....	بوق و کوس
۱۰۶	.....	به آسمان رفتن کاووس شاه
۱۰۹	.....	بهرام
۱۱۰	.....	بهشت
۱۱۲	.....	بید (درخت)
۱۱۲	.....	بیژن

### حرف «پ»

۱۱۵	.....	پتک
۱۱۶	.....	پتیاره
۱۱۷	.....	پَر

- ۱۱۹..... پری
- ۱۲۱..... پلنگ
- ۱۲۳..... پیکان (تیر)
- ۱۲۴..... پیل (فیل)

### حرف «ت»

- ۱۲۶..... تاج
- ۱۲۹..... تازیانه
- ۱۳۰..... تخت
- ۱۳۲..... تشت خون
- ۱۳۳..... تور
- ۱۳۴..... تیر (عُطارد)
- ۱۳۴..... تیر (آلت جنگ)

### حرف «ج»

- ۱۳۶..... جادو
- ۱۳۸..... جام گیتی نما (جام جم)
- ۱۳۹..... جامه دریدن در سوگ
- ۱۴۰..... جمشید
- ۱۴۱..... جنگل (بیشه)

### حرف «چ»

- ۱۴۲..... چشمه (چشمه حیات بخش)
- ۱۴۳..... چهار
- ۱۴۴..... چهل / چل

### حرف «ح»

- ۱۴۶..... حاتم طایی

۱۴۶.....حنظل (کَبَسْت).....

### حرف «د»

۱۴۶.....درخت.....

۱۵۰.....درفش.....

۱۵۲.....دریا (دریای نیل).....

۱۵۴.....در برف گرفتار شدن و برخاستن تراک و ابرو باد سیاه.....

۱۵۵.....دوازده/ دوازده هزار.....

۱۵۶.....دهقان (دهگان).....

۱۵۸.....دیو.....

### حرف «ر»

۱۶۲.....رخش.....

۱۶۴.....رستم.....

۱۶۹.....روباه.....

۱۶۹.....رویین تنی.....

### حرف «ز»

۱۷۱.....زحل (کیوان).....

۱۷۲.....زهرة (ناهید).....

### حرف «س»

۱۷۴.....سپید موی متولد شدن.....

۱۷۵.....سرای سپنج (سه پنچ).....

۱۷۷.....سرو.....

۱۸۰.....سر و تن در آب شستن.....

۱۸۲.....سروش.....

۱۸۵.....سودابه.....



۱۸۷	سه (عدد)
۱۸۸	سهراب
۱۸۹	سی هزار
۱۹۰	سیاوش / سیاوخش
۱۹۴	سیاه (رنگ)
۱۹۴	سیمرغ

### حرف «ش»

۱۹۹	شاه
۲۰۲	شب
۲۰۳	شبرنگ بهزاد
۲۰۴	شتر پشاهنگ
۲۰۶	شغاد
۲۰۷	شمشیر
۲۰۹	شیر (حیوان)
۲۱۳	شیطان (ابلیس)

### حرف «ص»

۲۱۴	صد و صد هزار
-----	--------------

### حرف «ض»

۲۱۵	ضحاک
-----	------

### حرف «ط»

۲۱۹	طاووس
۲۲۰	طلسم

### حرف «غ»

۲۲۱	غار (چاه)
-----	-----------

۲۲۲.....غول

### حرف «ف»

۲۲۳.....فرّه ایزدی

۲۲۵.....فریدون

### حرف «ق»

۲۲۷.....قاف (کوه)

### حرف «ک»

۲۲۹.....کاوه‌ی آهنگر

۲۳۱.....کاووس شاه

۲۳۴.....کرکس

۲۳۶.....کمان

۲۳۷.....کوه

۲۳۸.....کوه بیستون

۲۳۹.....کی خسرو

۲۴۱.....کیومرث

### حرف «گ»

۲۴۲.....گاو

۲۴۵.....گاو برمایه

۲۴۵.....گرز

۲۴۸.....گرسیوز

۲۴۹.....گرگ بیشه‌ی فاسقون

۲۵۰.....گنج

### حرف «ل»

۲۵۱.....لاله

## حرف «م»

۲۵۲	مار.....
۲۵۵	ماه.....
۲۵۷	ماهی.....
۲۵۸	مشتري.....
۲۵۸	منیژه.....
۲۵۹	موبند.....
۲۶۱	مهر (میترا).....
۲۶۳	مُهره.....
۲۶۴	میش رهنمون.....

## حرف «ن»

۲۶۵	نرگس.....
۲۶۵	نوشدارو.....
۲۶۶	نَوَند.....
۲۶۷	نهنگ.....

## حرف «ه»

۲۶۸	هفت (عدد).....
۲۷۱	هما (پرنده).....
۲۷۱	هوشنگ.....

## حرف «ی»

۲۷۳	یوز (یوز پلنگ).....
-----	---------------------

## فصل سوم

### تمثیل

۲۷۴	تمثیل و تعریف آن.....
-----	-----------------------

- ۲۷۶.....تمثیل در آثار مختلف
- ۲۷۷.....تمثیل و شعر حماسی
- ۲۷۸.....تمثیل در شاهنامه‌ی فردوسی
- ۲۸۶.....کتاب‌نامه

## مقدمه

نمادها، زبانی هنری و رمزآلود هستند که با ورود به حوزه‌ی گسترده‌ی شعر و ادب، با رازگونگی و ژرفابخشی خود، معانی و مفاهیم فراوانی را عرضه می‌نمایند. نمادها، با ماهیتی سیال و شکل‌پذیر و به اقتضای شرایط زمانی و مکانی می‌توانند مفاهیم عمیق، دقیق و گسترده-ای را به شیوه‌ای فراگیر نشان دهند. همچنین این ظرفیت در آن‌ها وجود دارد که از صورتی ثابت، معانی و کاربردهای متنوعی را به نمایش بگذارند. و با پویندگی خویش حیات خود را تداوم بخشند. نمادها بر ذهن و اندیشه بشری احاطه دارند و بر این اساس گفته شده است: «ما در جهانی از نمادها زندگی می‌کنیم و جهانی از نمادها در ما زندگی می‌کنند.» (ژان شوالیه، ۱۳۸۴، ۱۸)

نویسندگان و شاعران نمادگرا، به اقتضای موضوع آثار خود و باتوجه به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی روزگار خویش و صورت‌های اساسی جامعه مبادرت به بهره‌گیری از زبان سمبلیک و نمادین می‌نمایند. نماد و رمز عبارت است از: هر علامت، اشاره، واژه، ترکیب یا عبارتی است که بر معنی و مفهومی فراتر از ظاهر آن دلالت نماید. در علم بیان نیز رمز، کنایه‌ای است که ابزار آن اندک و دارای معانی پنهانی باشد و دریافت آن نیازمند تأمل است. رمز در یک مفهوم وسیع، بارها به عنوان هر نوع علامتی اعم از حرف، عدد، شکل، علامت اختصاری و ... چه به صورت اشاره با چشم و لب و دست و چه به صورت رقص و مراسم که ناظر به مفهومی ویژه در ورای ظاهر خود باشد یک رمز محسوب می‌شود. رمز با تمام وسعت معنی و مفهوم می‌تواند معادلی برای واژه‌ی «سمبل» در زبان‌های اروپایی باشد. یونگ در تعریف سمبل یا نماد آورده است: آن‌چه را ما سمبل می‌نامیم عبارت است از یک اصطلاح، یک نام، حتی تصویری که ممکن است نماینده‌ی چیزی مأنوس در زندگی روزمره باشد و با این حال علاوه بر معنی آشکار و معمول خود معانی تلویحی به خصوص نیز داشته باشد. سپس سمبل معرف چیزی مبهم، ناشناخته و پنهان از ماست. زبان سمبلیک زبانی است که تجربیات و احساسات درونی انسان را مانند تجربیات حسی توصیف کند.

موضوع پایان نامه‌ی حاضر با عنوان «بررسی جنبه‌های نمادین و تمثیلی بخش‌های اساطیری و پهلوانی در شاهنامه‌ی فردوسی»، به طور مستقل در هیچ یک از منابع قابل دسترسی مورد بررسی قرار نگرفته است؛ آن چه در خصوص مباحث مربوط به نمادها در شاهنامه فردوسی عنوان گردید، بحث‌هایی مختصر در میان موضوعات گوناگونی است که در بعضی آثار مرتبط با موضوعات حماسی و از جمله شاهنامه مطرح گردیده‌اند. در کتاب با ارزش از رنگ گل تا رنج خار نوشته‌ی دکتر سرّامی مباحثی با عنوان داستان‌های رمزی در شاهنامه و سمبولیست در شاهنامه آورده شده است که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت اما همان طور که خود اشاره کرده است، حجم وسیع واژه‌ها و کردارهای نمادین شاهنامه فراتر از اختصاص یک فصل کتاب به این موضوع پر اهمیت است. و در این مختصر نمی‌گنجد. در پایان نامه‌ی دکتر محمد امینی رکنی نیز به موضوع فرهنگ نمادها به طور کلی پرداخته شده است و تنها برخی از نمادهای شاهنامه را در بر می‌گیرد و در نوع خود اثر ارزشمندی است.

همچنین در پایان نامه‌ی دکتر آذر میدخت رکنی با عنوان «سرنمون‌های سفر قهرمان» به بعضی از نمادهای شاهنامه اشاره شده است.

با عنایت به ارزش و اهمیت شاهنامه‌ی فردوسی و برجستگی آن در میان آثار بزرگ حماسی جهان و لزوم آگاهی از معانی و دقایق این اثر بی‌مانند و علاقه‌ی وافر خویش به این میراث کهن و گران‌بها با راهنمایی استاد محترم راهنما، این موضوع انتخاب گردید به این امید که بتوانیم از این منبع عظیم فرهنگی، فراخور بضاعت خود بهره‌مند شویم و از طریق درک رموز، به معانی گسترده‌ی آن پی ببریم. با توجه به دیدگاه‌های مختلف درباره‌ی نمادها در شاهنامه ممکن است در تحقق کامل این پژوهش کاستی‌هایی موجود باشد که با یاری خداوند متعال در بررسی نهایی قابل رفع خواهد بود.

در طرح موضوع با وجود بررسی راه‌های گوناگون برای تهیه و دسته‌بندی نمادهای شاهنامه، در نهایت با پیشنهاد استادان محترم راهنما و مشاور، شیوه‌ی فرهنگ نامه‌ی توصیفی-تحلیلی اعمال گردید که در آن ترتیب الفبایی مدخل‌ها، موجب سهولت بیش‌تر در انجام کار و بهره‌گیری خوانندگان می‌شود. ابتدا مدخل‌ها به طریق الفبایی تنظیم گردید و فراخور هر مدخل به توضیح و بررسی آن پرداخته شد. در ادامه با ذکر شواهد کافی برای هر یک، از شاهنامه‌ی فردوسی و در مواردی از نمونه‌های شعری شاعران پارسی‌گوی دیگر، مطالب عنوان شده مستند گردید. همچنین در بررسی نهایی در شاهنامه، بعضی از بازتاب‌های نمادها و رفتارهای

نمادین که تا کنون نیز در فرهنگ عامه استمرار دارد، مشاهده گردید که نشانگر اوج نفوذ شاهنامه در آرا و اندیشه مردم ایران است. پرداختن به نکات تازه‌ای از بازمانده‌ی فرهنگ کهن و شاهنامه، گواه حضور این میراث ارجمند علمی و فرهنگی در ذهن و اندیشه‌ی ایرانی و پویایی این آداب و فرهنگ در میان مردم است. از آن‌جا که برای هر مدخل، شواهد مثال‌های فراوانی یادداشت گردید و ناگزیر صرفاً تعداد اندکی از آن‌ها مورد استفاده قرار گرفت، می‌توان در فرصت مناسب و ارزیابی‌های آینده و تحقیقات مفصل‌تر در جایگاه مناسب از آنها بهره گرفت.

در راستای استفاده از منابع معتبر برای تهیه‌ی این رساله، شاهنامه به کوشش دکتر سعید حمیدیان اساس کار قرار گرفت و جهت بهره‌گیری و غنی‌تر کردن پژوهش از اغلب فرهنگ‌ها و آثار مرتبط با موضوع هم‌چون: فرهنگ نمادها، فرهنگ اساطیره‌نامه‌ی باستان، فرهنگ جامع شاهنامه، فرهنگ نامه‌ی رمزا و نمادها، حماسه‌سرایی در ایران و رمز و داستان‌های رمزی در ادبیات فارسی و ... استفاده گردید. همچنین در این زمینه علاوه بر استفاده از نظرات ارزشمند و راهگشای استادان محترم راهنما و مشاور از راهنمایی‌های صاحب نظرانی چون دکتر سرآمی استفاده گردید.

در آغاز کار باتوجه به گستردگی کار و تردیدهای به وجود آمده در مرزبندی‌های ظریف میان نماد با کنایه، استعاره، نشانه، و ... انجام کار از سرعت کافی برخوردار نبود اما با استفاده از راهنمایی‌های استادان محترم راهنما و مشاور و مطالعه بیشتر در منابع مرتبط با موضوع، روند کار تسهیل و بر سرعت آن افزوده شد. کمبود منابع مستقل در خصوص نمادپردازی در شاهنامه فردوسی از مشکلات پیش رو بوده است. تکرار فراوان بعضی از واژه‌های کلیدی که در بعضی داستان‌ها و ابیات نمادینه و در جاهای دیگر غیر نمادین بود نیز دشواری‌هایی ایجاد نمود. به همین دلیل در این پژوهش کاستی‌هایی صورت پذیرفت. امید است که ابهامات موجود در این خصوص در پژوهش‌های تکمیلی مرتفع شود. تلاش صورت گرفته همواره در جهت آن بود که کیفیت کار از آن‌چه اکنون صورت پذیرفته است مطلوب‌تر باشد، اما باتوجه به مشکلات پیش رو و تجربه‌ی نخست پژوهنده در این خصوص علیرغم سعی و دقتی که به عمل آمده است، یقیناً نقایصی موجود است که با راهنمایی استادان محترم به حداقل خواهد رسید. در پایان بر خویش لازم می‌دانم از استادان محترم راهنما و مشاوره آقایان دکتر محمدرضا صالحی مازندرانی و دکتر مختار ابراهیمی و از استادان محترم گروه زبان و ادبیات

فارسی آقایان دکتر نصرالله امامی، دکتر منوچهر تشکری، دکتر پروین گلی زاده، دکتر منوچهر جوکار، دکتر محمد تقی خلوصی، دکتر قدرت قاسمی پور و مجموعه استادان گروه زبان و ادبیات فارسی و همچنین از استادان زبان و ادبیات انگلیسی به ویژه دکتر صالح حسینی، دکتر دارم و دکتر موسوی تقدیر و تشکر می‌نمایم.

از مجموعه عوامل اداری دانشکده نیز قدردانی می‌نمایم. از خانواده‌ی محترم که با بردباری خویش زمینه را برای بهره‌مندی از این فرصت فراهم نموده‌اند سپاس گزارم.

امرالله آخوندنژاد

خردادماه ۸۹



## فصل اول

### کلیات

#### نماد و نماد پردازی

همه‌ی افراد چه آگاه و چه به طور نا خود آگاه، در تخیلات، گفتارها و اشاره‌های خویش از رمزهایی استفاده می‌نمایند. این رمزها به خواسته‌های افراد صورت عینی می‌بخشند و در ورای این رمزها حقیقتی آشکار نهفته است. رمزها یا نمادها ابزاری هستند که ما را به سوی موضوعات دیرپاب و ناشناخته هدایت می‌کنند. هر نماد نمایان‌گر چیزی واقعی است که تصور آن به آسانی صورت نمی‌پذیرد. نمادها اسبابی هستند که به وسیله‌ی آنها می‌توان نا محسوس-ها را عینی و ابعاد غیر ملموس چیزی را قابل درک نمود. نمادها همچنین مفاهیم کلی و بزرگ را به وسیله‌ی موضوعات جزئی آشکار می‌کنند. این موضوعات جزئی باید زنده و جاندار باشند تا بتوانند ذهن انسان را به خود متوجه سازند. این علائم خود نشانه‌هایی از اشکال آرمانی‌تری هستند که در پشت آن پنهان شده‌اند. نمادها پیوسته باید زنده و پویا باشند تا بتوانند تأثیر لازم را همچنان در خود زنده نگه‌دارند. اصلی‌ترین خصوصیت نماد همین زنده بودن آن است؛ زیرا نماد مرده، کلیشه‌ای و تکراری، بر اثر کاربرد فراوان ارزش هنری خود را از دست داده، مبتذل می‌شود. همچنان که ابعاد هنری نماد ممکن است اثر بخشی خود را از دست بدهد، ضروری است این قابلیت در نماد وجود داشته باشد تا از یکنواختی و ابتذال نجات یابد و بتواند پیام لازم را در طول تاریخ عرضه نماید. نمادهای مرده را نیز می‌توان احیا کرد. نیروی حیاتی نماد در شعر و ادب از تجربه‌های فردی و داده‌های نا خودآگاه شاعر سرچشمه می‌گیرد؛ به همین دلیل است که نمادهای شخصی و ابداعی بسیار مؤثر و پویا باقی می‌مانند و شاعر می‌تواند به نمادهای مرده رموز جدید بیفزاید و آنها را احیا نماید. «نماد تنها یک واژه‌ی ساده نیست؛ در ورای معنی جای دارد و تفسیری مختص به خود دارد، که لازمه‌ی این تفسیر دارا بودن نوعی قریحه است. نماد سرشار است از تأثیر گذاری و پویایی و برای بیان معنی که نه تنها به شیوه‌ای خاص، با حجاب چیزی را می‌پوشاند، بلکه باز هم به شیوه‌ای خاص حجاب

را کنار می‌زند. همچنین با ساختارهای ذهنی بازی می‌کند تا نشان دهد که به نحوی کلیت روان را تجهیز می‌کند.» (شوالیه، گربران ۱۳۸۴، ص ۲۸)

در فرهنگ نمادها آمده است: «نماد کار یک جانشین را انجام می‌دهد. از نظر یک روان کاو یا جامعه شناس، نماد با صورتی دارای شکل، در مقابل یک سؤال، یک برخورد یا یک اشتیاق که به حالت تعلیق در ناخود آگاه جای داشته، قرار می‌گیرد و به جای جواب یا راه حل عمل می‌کند و رضایت خاطر را فراهم می‌آورد. در این صورت است که نماد به عنوان یک جانشین کلامی عمل می‌کند. نماد بیانگر جهانی است که حس می‌گردد و زنده می‌شود. این جهان از سطح آگاهی فراتر است؛ و بدان گونه است که ذهن آن را از طریق روان که مؤثر و نمودگرا است، اغلب در نا خود آگاه در می‌یابد، پس واقعیتی زنده است.» (شوالیه، ۱۳۸۴، ۴۷)

ژرف اندیشی و تحلیل بیش از حد نمادها و اصرار زیاد در وصل کردن زنجیره‌های آن و زیاده روی در کاهش آن به یک واحد منظم، خطر از دست رفتن آن را به وجود می‌آورد. خردگرایی دشمن اصلی نماد است و شاید هرگز به عمق این سخن دست نیابیم که منطق نماد نظمی عقلایی ندارد؛ اما نداشتن نظم عقلایی به این معنی نیست که وجود منطقی برای نماد واجب نیست، یا این که نماد از راه منطق بگریزد.

آیین‌ها و اساطیر در برگیرنده‌ی رمزهایی هستند که اگر از منظر نمادین به آن‌ها نگاه شود، نسبت به زمان نرمش بیشتری پیدا می‌کنند و مفهوم حقیقی خود را ازدست نمی‌دهند. ازنگاهی نمادین نگرستن به آیین‌ها و آداب و ورود به طریقت باطنی، موجب درک ارتباطی می‌شود که عقل ظاهر قادر به درک و تشخیص آن نیست؛ زیرا هر رمزی یک صورت شناخته شده و یک صورت ناشناخته دارد. انسان می‌فهمد که همه‌ی اسطوره‌ها و نمادها را می‌تواند در خود جست و جو کند؛ ابتدا در آگاه به دنبال آن می‌گردد و بعد در ناخودآگاه سیر می‌کند و از الهام کمک می‌گیرد؛ چون می‌داند در زمانی، به گونه‌ای این آیین‌ها را تجربه کرده و در نا خودآگاهش همه-ی این موارد وجود دارد؛ زیرا همه‌ی آداب و آیین‌ها با نور الهی در وجود انسان نفوذ می‌کنند. به نظر می‌رسد هرچیزی که درعالم وجود دارد، به نوعی نمادین است به همین دلیل نویسنده‌ی فرهنگ نمادها گفته است: «ما در جهانی از نمادها زندگی می‌کنیم و جهانی از نمادها در ما زندگی می‌کند» (شوالیه، ۱۳۸۴، ۱۸).

## تعریف نماد

نمادها یا رمزها، اصطلاحاتی هستند که علاوه بر معنی‌های قرار دادی خویش، که آشکارا و در زندگی روزمره از آنها استفاده می‌گردد، دارای معانی غیر صریح و گاه متناقض می‌باشند. نمادها ابعادی ناشناخته و پنهانی دارند که دریافت معانی دقیق آنها در پرتو ژرف اندیشی ذهن، فراتر از صورت ظاهری آنهاست. فراتر از سطح دریافت ما چیزهایی فراوانی وجود دارد که ناچار باید آنها را به کمک رمزها و نمادهایی نشان دهیم که بدون نمادها نه می‌توانیم آنها را تعریف کنیم و نه می‌توانیم به درستی به معنی آنها پی ببریم؛ به همین دلیل گفته می‌شود زبان نمادها محلّ برخورد جهان آشکار و پنهان است و رمز را حاصل پیامی الهام بخش می‌شمارند. هم چنین رمز بیان آشکار جانشینی است که به جای چیزی پنهانی قرار می‌گیرد و با آن دارای خصوصیات مشترک است. یک علامت، توانایی داشتن یک معنی را دارد؛ اما یک نماد، دارای ظرفیت‌های متنوع در بیان هدف است و اصولاً اگر نماد قابلیت لازم برای پذیرش مفاهیم مختلف را نداشته باشد عنوان نماد به آن تعلق نمی‌گیرد.

«رمز آخرین وسیله‌ی بیان اندیشه‌ها و احساسات سرکوب شده است. در نتیجه، مناسب ترین وسیله‌ی استتار ناخودآگاهی و سازش دادن آن با محتویات نوین خودآگاهی است، ما برای بیان نوعی خاص از تصوّرات و صورت ذهنی غیر مستقیم که به سبب بعضی خصیصه‌ها با قیاس، استعاره، تمثیل و کنایه و دیگر شکل‌های تصور و صورت ذهنی فرق دارد، اما در عین حال با همه‌ی آنها دارای وجوه مشترک نیز هست، رمز به کار می‌بریم. به بیانی دیگر، رمز، ترکیب وسایل و شیوه‌های مختلف بیان، از قبیل استعاره و مجاز و تمثیل و کنایه و اشاره است و بنابراین تصویری است که جایگزین چیزی مخفی و مبهم و پیچیده می‌شود و بدین جهت صورت فشرده‌ی چندین معناست و سرشتی آمیخته و مخلوط دارد» (ستاری، هنرقدسی، ۱۳۷۶، ص ۵۸).

رمزها به سه دسته تقسیم می‌شوند: رمزهای متعارف یا قراردادی که متضمّن پذیرش ساده‌ی یک وابستگی پایدار است، میان رمز و چیزی که رمز مظهر آن است. رمز تصادفی رمزی است که تنها از شرایط ناپایدار زندگی ناشی می‌شود و مربوط به وابستگی‌هایی است که از روابط علی و معلولی حاصل می‌شود؛ این رمزها بر خلاف رمزهای متعارف، انفرادی هستند و غیر از فرد، کسی در درک آنها شریک نیست؛ مگر این که وقایعی را که سمبل یا رمز به آن مربوط می‌گردد، بیان کنیم. رمزهای عمومی و جهانی رمزهایی هستند که به طور ذاتی با پدیده‌های

مورد اشاره‌ی خود رابطه داشته باشند. تعداد رمزهای عمومی و جهانی برای همه‌ی انسان‌ها فراوان هستند، مانند آتش که دارای رمزهای مشترک میان همه‌ی انسان‌ها است (زبان از دست رفته، اریک فروم، ۱۳۸۸، ۱۹).

نویسنده‌ی کتاب نمادها و نشانه‌ها آورده است: کارل گوستاو یونگ می‌گوید: «واژه یا تصویر زمانی یک نماد است که متضمن چیزی در ماورای معنای آشکار و مستقیم خود باشد». نماد دارای جنبه‌ای وسیع‌تر و «ناخودآگاه» است که هرگز نمی‌توان آن را به طور کامل تعریف یا توصیف کرد... ما نیز امیدوار نیستیم بتوانیم آن را تعریف یا توصیف کنیم. هنگامی که ذهن به پوشش نماد می‌پردازد، با اندیشه‌هایی برخورد پیدا می‌کند که در ماورای قابلیت‌های منطقی و عقلانی آن قرار دارند. اندکی تأمل و در خود فرو رفتن، ما را به این نتیجه می‌رساند که بشر قادر به دریافت و ادراک کامل هیچ چیز نیست؛ او می‌تواند ببیند، همان طور که برموناری می‌گوید: «افراد آن چه را می‌بینند که می‌دانند، بشنوند و لمس کنند و بچشند» اما قابلیت‌های دیداری و شنیداری و تمامی آگاهی‌هایی که از طریق قوای لامسه و چشایی می‌توانند برای او حاصل شوند، وابسته به تعداد و کیفیت قوای احساسی اوست. زندگی ما ناشی از برقرار کردن ارتباط ماست. ما ترجیح می‌دهیم که فاصله‌های بعید مکانی و زمانی را علاوه بر به کارگیری زبان گفتاری، از طریق استفاده از علائم نوشتاری در تمام ابعاد آن برطرف سازیم و از این طریق ایجاد ارتباط نماییم» (آلفرد هوهنه گر، ۱۳۶۶، ص ۱۱۲).

معنی نماد را می‌توان آن را به گوشه‌ی چشم، لب، ابرو، دست و یا به زبان اشاره کردن دانست؛ از جمله معانی رمز عبارتند از: اشاره، راز، سرّ، ایما، اشاره کردن... که آن چه در تمام معانی فوق مشترک است، پوشیدگی و عدم صراحت است. در علم بیان رمز یکی از انواع کنایه محسوب شده است و گفته اند: رمز کنایه‌ای است که وسایل آن اندک باشد و معنی آن پنهان و احتیاج به قدری تأمل است. در معنی کلی رمز نیز می‌توان گفت: رمز عبارت است از هر علامت، اشاره، کلمه، ترکیب و عبارتی است که بر معنی و مفهومی‌ورای آن چه ظاهر آن می‌نماید دلالت کند. معانی کلی که از رمز ارائه شده است فراوانند و مصداق‌های متنوع و متعددی را در زندگی مادی و معنوی بشر در برمی‌گیرد؛ چرا که از یک سو با روان‌شناسی، فلسفه، ادبیات، عرفان و اصطلاحات و علایم قراردادی، در ریاضیات، شیمی، فیزیک و موسیقی و با منطق نیز مربوط می‌شود و از سویی دیگر بسیاری از علایم مانند: راهنمایی و رانندگی و تجاری و صنعتی و علامت‌های اختصاری شرکت‌ها و کالاها و سازمان‌ها و